

رابرت وانوی ، خروج به سوی تبعید، درس ۸ب

معرفی قضات

IV. کتاب داوران

الف. سخنان مقدماتی

برویم که «کتاب داوران» است. الف. در زیر آن «سخنان مقدماتی» آمده IV بیاید به سراغ عدد رومی است. می‌خواهم چند نکته کوتاه به عنوان مقدمه کتاب بیان کنم. روایت‌های داوران در دوره زمانی بین مرگ یوشع و تولد سموئیل اتفاق می‌افتد. یوشع درست در پایان کتاب یوشع می‌میرد؛ در یوشع ۲۳ و ۲۴، یوشع در شرف رفتن به راه تمام زمین «است. سپس وقتی به فصل اول کتاب اول سموئیل می‌رسید، تولد سموئیل را دارید.» داوران بین مرگ یوشع و تولد سموئیل اتفاق می‌افتد. همچنین کتاب کوچک روت وجود دارد که بین داوران و اول سموئیل قرار گرفته است. اگر به یاد داشته باشید، آیه اول روت می‌گوید: «در روزهایی که داوران داوری می‌کنند بنابراین روت در تاریخ زمان داوران اتفاق می‌افتد. این احتمالاً حدود یک دوره ۳۰۰ ساله است «Israel...»

حالا می‌خواهم کمی جلوتر درباره ترتیب زمانی کتاب بیشتر بگویم، اما احتمالاً حدود یک دوره ۳۰۰ ساله است. وقتی به آن فکر می‌کنید، این کشور حتی ۳۰۰ سال هم وجود نداشته است. ۳۰۰ سال زمان بسیار طولانی است و این کتاب نسبتاً کوچکی است. در قلب کتاب، روایت‌هایی درباره شش فرد، شش داور اصلی، وجود دارد که هر کدام داستان‌های مستقلی دارند. بنابراین شما هیچ بحث سیستماتیک کاملی درباره تاریخ این دوره طولانی، یعنی از یوشع تا سموئیل، ندارید.

ممکن است هنگام خواندن آن این تصور را داشته باشید که این کتاب مجموعه‌ای از واحدهای داستانی مستقل و بی‌ربط درباره داوران اصلی است. اما فکر می‌کنم اگر بیشتر در مورد کتاب تأمل کنید، مشخص می‌شود که نویسندگان واقعاً هنگام گردآوری این مطالب هدفی در ذهن داشته است. اگرچه در هیچ کجا به آن اشاره نشده است، اما به نظر من هدف چیزی شبیه به چیزی است که در تابلو آمده است: به تصویر کشیدن این دوره از و همچنین اعمال صالح خدای عهد و پیمان در اجرای Israel تاریخ به گونه‌ای که زوال مذهبی و اخلاقی Israel بارها و بارها از خداوند رویگردان می‌شوند و به همین دلیل Israel. داوری و رهایی. اینها مضامین اصلی هستند خداوند با قرار دادن آنها در معرض ظلم و ستم اقوام همسایه، آنها را داوری می‌کند. بنی‌اسرائیل به درگاه خداوند فریاد می‌زنند و او یک داور یا یک نجات‌دهنده، یک ناجی، برمی‌خیزد. او آنها را رهایی می‌دهد. سپس آنها زمان استراحت و آرامش دارند و سپس چرخه دوباره شروع می‌شود.

بنابراین فکر می‌کنم این دوره از تاریخ اسرائیل به گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که آن ایده‌ها را آشکار می‌کند: از یک سو زوال اخلاقی مذهبی اسرائیل را می‌بینید، اما از سوی دیگر اعمال صالح خدای عهد و پیمان را در اجرای داوری و رهایی می‌بینید - اساساً پیروی از مفاد عهد سینا در برکات و لعنت‌ها، و به کار بستن

آن در زندگی مردم

با توجه به این نکته، فکر می‌کنم تأکید بر ضعف درونی اسرائیل در رویگردانی از یهوه تأکید می‌کند. ۱. ضعف درونی اسرائیل در رویگردانی از یهوه، تحت تأثیر اعمال Israel کتاب را در ادامه می‌بینید. این کتاب بر مذهبی و اخلاقی بت‌پرستانه کنعانیان قرار گرفتن، تأکید می‌کند. دن بلاک این تفسیر را در مجموعه تفسیرهای جدید آمریکایی در مورد داوران و روت (که نسبتاً جدید است و در سال ۱۹۹۹ منتشر شد (نوشته است. من فکر می‌کنم این احتمالاً بهترین تفسیر در مورد داوران است. او از کنعانی شدن اسرائیل در دوره پیش از سلطنت به از خداوند روی برمی‌گرداند و شروع به Israel. عنوان آنچه در کتاب داوران توصیف شده است، صحبت می‌کند. پیروی از رسوم کنعانیان می‌کند.

حال، می‌توانیم نسبت به بنی اسرائیل بسیار منتقد باشیم. در اینجا قومی را داریم که از [مصر [نجات یافته عبور کرده و Jericho به شیوه‌های معجزه‌آسا از [مصر [Canaan، آورده شده [مصر land] به Egypt، ساکن می‌شود و با این کار در تماس نزدیک و گسترده‌ای با Israel، آب‌های مروم را می‌گیرد. با این حال Jordan کنعانیان قرار می‌گیرد. دین کنعانیان چندخدایی بود و یک دین طبیعت‌گرایانه بود. خدایان کنعانیان نیروهای شخصی‌شده طبیعت بودند که تأکید ویژه‌ای بر ایده باروری داشتند.

بنی اسرائیل وارد این سرزمین شدند و در آن ساکن شدند و به جای سرگردانی در بیابان، ناگهان کشاورز شدند. آنها مجبور بودند محصولات کشاورزی را پرورش دهند و از گله نگهداری کنند. کشاورزان باید می‌دانستند چه زمانی و چگونه زمین را شخم بزنند و بذر بکارند، چگونه محصولات را برداشت کنند و چگونه این کار را در زمان مناسب و به روش صحیح انجام دهند. طبیعی بود که کنعانیان مریبان آنها باشند.

اما کنعانی‌ها بدون شک بر ضرورت احترام به خدایانی که به آنها باران، محصول و باروری را فراهم می‌کردند، تأکید می‌کردند. آیین‌ها و جشن‌هایی در بزرگداشت این خدایان کنعانی ضروری بود، در غیر این صورت محصولات پربراری نداشتند. شما به زمینه جدیدی می‌رسید - باید خدای آن سرزمین را پرستش کنید. مفهوم رایج، خدای سرزمینی بود. بنابراین با پیروی از این نوع منطق، می‌توانید درک کنید که بنی اسرائیل به نوعی تلفیق گرایی برای ترکیب پرستش بعل با پرستش یهوه سوق داده می‌شد. من فکر می‌کنم این همان چیزی است که در کتاب داوران شرح داده شده است. آنها با آنها ساکن شدند، با آنها از دواج کردند و خدایان کنعانی را پرستش کردند.

مشکلی که اسرائیل با آن مواجه بود این بود که آنها این تضاد اساسی بین شیوه زندگی بنی اسرائیل و شیوه زندگی مشکلی که اسرائیل با آن مواجه بود این بود که آنها این تضاد اساسی بین شیوه زندگی کنعانی‌ها را حفظ نکردند. حفظ این تضاد وظیفه آنها بود. آنها قرار بود متفاوت Israel. بنی اسرائیل و شیوه زندگی کنعانی‌ها را حفظ نکردند باشند؛ قرار بود آنها پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس باشند. خدا برای آنها نقشه‌ای داشت؛ قرار بود آنها تا به امروز

جدا و مستقل باشند. در عوض، آنها آن خط تضاد را محو کردند و با این مردم ساکن شدند. همین مشکل امروز به شکلی متفاوت به ما برمی‌گردد. امروز تضاد بین کلیسا و جهان است. چگونه این را مرتب نگه می‌دارید؟ چگونه تفاوت‌های بین یک شیوه زندگی خدایسندانه و شیوه زندگی فرهنگی که در آن زندگی می‌کنید را حفظ می‌کنید؟ این خطوط را گیج و مبهم کرد و در Israel. ترسیم این خطوط گاهی اوقات آسان نیست، اما مسئله یکسان است نقاط ضعف آنها، Israel نتیجه آنها از خداوند روی گرداندند و به پرستش التقاطی روی آوردند. بنابراین تأکید بر تحت تأثیر ادیان بت‌پرستی و اعمال اخلاقی کنعانیان است.

تأکید بر تصویر یک وضعیت اجتماعی آشفته است که به تمایل به داشتن یک پادشاه منجر شد. ۲. دوم بر تصویر یک وضعیت اجتماعی آشفته است که منجر به تمایل به داشتن یک پادشاه شد. همانطور که مردم از خداوند و وفاداری به عهد روی گرداندند، متوجه می‌شوید که نتیجه هرج و مرج مذهبی بود. به انتهای کتاب می‌رسید و در فصل‌های بعدی با پناهگاه‌های خصوصی و قتل یک کنیز مواجه می‌شوید. در فصل‌های بعدی کتاب است که با این عبارت مواجه می‌شوید: «هر کس آنچه را که از نظر خودش درست بود، انجام داد.» سپس چند بار همه آنچه را Israel این عبارت تکرار می‌شود و با این عبارت مرتبط می‌شود: «در مصر پادشاهی وجود ندارد که از نظر خودشان درست بود، انجام دادند.» شرایط به گونه‌ای شد که به نظر می‌رسید برای جلوگیری از فروپاشی قانون مذهبی کشور، به نوعی اقتدار مرکزی نیاز است.

پادشاهی نبود. هر کس هر Israel این جمله را در انتهای کتاب در داوران ۱۷:۶ می‌یابید: در آن روزها پادشاهی نبود. «داوران ۱۹:۱» در آن Israel چه صلاح می‌دانست انجام می‌داد. «داوران ۱۸:۱» در آن روزها پادشاهی نبود، هر Israel پادشاهی نبود. «و در داوران ۲۱:۲۵، آخرین آیه کتاب» در آن روزها Israel روزها کس هر چه صلاح می‌دانست انجام می‌داد. «بنابراین شرایط اجتماعی آشفته‌ای ایجاد شد و این منجر به تمایل به داشتن پادشاهی شد که در نهایت به اول سموئیل، یعنی تأسیس پادشاهی، می‌رسد.

تأکید بر مداخله مهربانانه و بدون شایستگی خدای حافظ عهد، علیرغم نافرمانی مکرر اسرائیل. ۳. سوم، مداخله مهربانانه و بدون شایستگی خدای حافظ عهد، علیرغم نافرمانی مکرر اسرائیل است. خداوند با رهایی شایسته آن رهایی بود - با مهربانی و رحمت پاسخ داد. به Israel مکرر آنها، بارها و بارها - و نه به این دلیل که داوران ۶:۷ و آیات بعدی نگاه کنید: «هنگامی که بنی اسرائیل به خاطر مدیان نزد خداوند فریاد برآوردند، او پیامبری برایشان فرستاد و به ایشان گفت: «این است آنچه خدا، پروردگار اسرائیل، می‌گوید...» در اینجا نمونه [این کاری است که برای شما انجام داده‌ام]، از سرزمین Egypt کوچکی از شکل عهد را می‌بینید: «من شما را از دست همه Egypt بردگی بیرون آوردم؛ شما را از قدرت [اینها کارهایی است که برای شما انجام داده‌ام] ستمگراتان بیرون آوردم. آنها را از پیش روی شما بیرون راندم و سرزمینشان را به شما دادم. به شما گفتم: «من

خداوند، خدای شما هستم. خدایان اموریان را که در سرزمینشان زندگی می‌کنید، پرستش نکنید [اینها همه کارهایی
 «...» است که من انجام داده‌ام]، اما شما به من گوش ندادید

خداوند پاسخ داد: هنگامی که مصریان، اموریان، عمونیان، « در داوران ۱۱:۱۰ و پس از آن، می‌خوانیم
 فلسطینیان، صیدونیان، عمالیقیان و معونیان بر شما ستم کردند و شما نزد من فریاد کمک برآوردید، آیا من شما را
 اما شما مرا ترک کرده‌اید [این کاری است که من کرده‌ام، اما آیا به من روی آوردید؟] از دست ایشان نجات ندادم؟
 و خدایان دیگر را پرستش کرده‌اید، پس دیگر شما را نجات نخواهم داد. بروید و به خدایانی که برگزیده‌اید فریاد
 اما خداوند توبه می‌کند. آنها به درگاه خداوند فریاد می‌زنند و «!بزنید. بگذارید آنها در سختی شما را نجات دهند
 او آنها را نجات می‌دهد. بنابراین او رحمت و داوری را به اشتراک می‌گذارد، او فرصت‌های مکرر برای توبه
 می‌دهد. او آنها را کاملاً نابود نمی‌کند یا آنها را از زمین بیرون نمی‌کند، همانطور که حق انجام آن را داشت

متن جالبی در دوم پادشاهان ۲۳:۱۳ وجود دارد، در زمانی بسیار دیرتر از داوران به صورت بینامتنی
 حزائیل پادشاه « دوره عهد عتیق، زمان یهوشاف، پادشاه اسرائیل. شما در دوم پادشاهان ۲۲:۱۳ می‌خوانید
 اما خداوند به خاطر « بود. » سپس آیه ۲۳ آمده است در تمام دوران سلطنت یهواحاز Israel ستم‌دیدگان Aram
 عهد خود با ابراهیم، اسحاق و یعقوب، با ایشان مهربان بود و دلسوزی کرد و به آنها توجه نشان داد [چرا؟]. [تا به
 این جمله جالبی است زیرا گویی می‌گوید: «. امروز نخواستی است که آنها را نابود کند یا از حضور خود بیرون کند
 می‌دانی که صبر من تا ابد دوام نخواهد داشت. اما تا به حال نخواستی تو را از حضور خود بیرون کنم و از «
 سرزمین بیرون برانم «. این اوج نفرین‌های عهد بود. اگر به تنبیه ۲۸ برگردید، آن نفرین‌ها را خواهید دید -
 خشکسالی، ناباروری، ملخ و طاعون. اوج این است: « اگر در نافرمانی پافشاری کنید، روزی از سرزمینی که به
 شما داده‌ام بیرون رانده خواهید شد «. و اینجا در زمان یهواحاز - «تا به حال، من تمایلی به انجام این کار
 نداشته‌ام «. اگر به زمان داوران برگردید، او بارها آنها را نجات داد و از سرزمین بیرون نکرد. بنابراین او به
 عهدی که با ابراهیم، اسحاق بست و برای یعقوب تکرار کرد، وفادار است. او قوم خود را رها نمی‌کند
 تاریخ را ارائه می‌دهد. مزمور نویس در آیه ۳۴ Israel نگاه کنید که خلاصه‌ای از این دوره از به مزمور ۱۰۶
 ایشان قوم‌ها را آنطور که خداوند به ایشان امر فرموده بود، نابود نکردند، بلکه با قوم‌ها « Israel: می‌گوید
 درآمیختند و رسوم آنها را پذیرفتند. بت‌های ایشان را پرستش کردند که دامی برای ایشان شد. پسران و دختران
 خود را برای دیوها قربانی کردند. خون بی‌گناهان، خون پسران و دختران خود را که برای بت‌های خود قربانی
 ریختند و زمین از خون آنها بی‌حرمت شد. با اعمال خود خود را نجس کردند. از این رو خداوند، Canaan کردند
 بر قوم خود خشمگین شد و از میراث خود بیزار گشت. آنها را به دست قوم‌ها سپرد و دشمنانشان بر آنها حکومت
 بارها آنها « سپس به آیه ۴۳ توجه کنید «. کردند. دشمنانشان بر آنها ظلم کردند و آنها را تسلیم قدرت خود نمودند
 را نجات داد، اما آنها به شورش تمایل داشتند و در گناه خود نابود شدند. اما وقتی فریاد آنها را شنید، به پریشانی

بنابراین، این تصویر این «... آنها توجه کرد. به خاطر آنها عهد خود را به یاد آورد و از محبت عظیم خود توبه کرد دوره است. خداوند علیرغم نافرمانی آنها، بخشنده و امین است.

پس «... در نحما ۹:۲۷ خلاصه دیگری از این دوره زمانی وجود دارد. نحما در دعای خود می‌گوید ایشان را به دشمنانشان سپردی که بر ایشان ستم کردند. اما چون ستم دیدند، به درگاه تو فریاد برآوردند. از آسمان ایشان را شنیدی و از روی شفقت عظیم خود، نجات‌دهندگانی به ایشان دادی که ایشان را از دست دشمنانشان رهایی دادند. اما به محض اینکه آرام گرفتند، دوباره آنچه را که در نظر تو بد بود، مرتکب شدند. آنگاه ایشان را به دست دشمنانشان رها کردی تا بر ایشان حکومت کنند. و هنگامی که دوباره به درگاه تو فریاد برآوردند، از آسمان شنیدی و از روی شفقت بارها ایشان را رهایی بخشیدی. به ایشان هشدار دادی که به شریعت تو بازگردند، اما ایشان متکبر شدند و از فرامین تو سرپیچی کردند. ایشان بر ضد فرامین تو گناه ورزیدند، فرامینی که اگر انسان از آنها اطاعت کند، به وسیله آنها زنده خواهد ماند. با لجاجت به تو پشت کردند، گردن‌سخت شدند و از گوش دادن سال‌های بسیار با ایشان مدارا کردی. به روح خود ایشان را از طریق «... به آیه ۳۰ توجه کنید «... امتناع ورزیدند انبیای خود نصیحت کردی. اما ایشان اعتنا نکردند، پس ایشان را به قوم‌های همسایه سپردی. اما به رحمت عظیم خود ایشان را هلاک نکردی «... یا آنها را رها کن، زیرا تو خدایی بخشنده و مهربان هستی. اکنون، ای خدای ما، ای بنابراین، این تصویری است که در اینجا «... خدای بزرگ، قادر مطلق و مهیب، که به عهد محبت خود وفا می‌کنی از کتاب داوران به دست می‌آوریم

ب. محتوا: مروری بر کتاب

اشارات زمانی در کتاب داوران ۱.

ب. در طرح کلی شما عبارت «محتوا: بررسی کتاب» آمده است. تعداد نسبتاً زیادی ارجاعات زمانی در کتاب داوران وجود دارد. اگر کتاب را مرور کنید و تمام داده‌های زمانی را ردیابی کنید، یک مشکل زمانی نسبتاً پیچیده ایجاد می‌شود. بنابراین در این نمودار و نمودار بعدی، فهرستی از دوره‌های ظلم و ستم به همراه سال‌های هر کدام وجود دارد. بنابراین شما ظلم و ستم ۸ ساله بین‌النهرین و سپس رهایی عنتنیل را دارید که ۴۰ سال طول کشید. ظلم و ستم موآبیان ۱۸ سال و رهایی ۸۰ سال طول کشید. و این روند در نه فصل اول ادامه می‌یابد. سپس اگر جلوتر بروید، ارجاعات بیشتری به سال‌های قضاوت و ظلم و ستم خواهید داشت. اگر همه آنها را، مانند آن دو صفحه، فهرست کنید و سپس آنها را جمع کنید، در مجموع ۴۱۰ سال به دست می‌آورد.

حال، سوال این است که آن ۴۱۰ سال چقدر باید فشرده شود؟ به عبارت دیگر، چگونه ممکن است این دوره‌های درگیری منطقه‌ای با یکدیگر همپوشانی داشته باشند؟ در اینجا به سوال تاریخ خروج برمی‌گردیم - اینکه

آیا باید تاریخ اولیه را ترجیح داد یا تاریخ متاخر. ما قبلاً به تفصیل در مورد این موضوع بحث کرده‌ایم. یکی از دلایل من برای ترجیح تاریخ اولیه این است که هماهنگی آن با گاهشماری کتاب داوران آسان‌تر است. اگر برای خروج، تاریخ متاخری، تقریباً ۱۲۹۰، در نظر بگیرید، ۴۰ سال بعد، حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد، فتح را خواهید داشت. بنابراین فتح ۱۲۵۰ است و می‌دانیم که دوره سلیمان ۹۶۶ قبل از میلاد است. اگر ۹۶۶ را از ۱۲۵۰ کم کنید، ۲۸۴ سال فاصله خواهید داشت. همچنین می‌دانیم که برای رسیدن به سال چهارم سلیمان پس از دوره داوران، یعنی زمان از الی تا سلیمان، باید به آن اضافه کنید. ایلی حدود ۲۰ سال، سموئیل ۴۰، داوود ۵۳ و سلیمان و ۱۱۷ سال دیگر می‌شود. این یعنی از یوشع تا پایان داوران فقط ۱۶۷ سال داریم. یعنی باید آن ۴۱۰ سال را ۴، در ۱۶۷ سال خلاصه کنیم.

حال اگر تاریخ اولیه خروج، یعنی ۱۴۴۶ پیش از میلاد را در نظر بگیرید، فتح در سال ۱۴۰۶ خواهد بود. این ۱۴۴۶ از ۴۸۰ سال قبل از سلیمان در اول پادشاهان ۶:۱ می‌آید. (بنابراین فتح ۱۴۰۶ است و سال چهارم سلیمان ۹۶۶ است. یعنی ۴۴۰ سال، و شما باید الی را به سلیمان ببرید - یعنی ۱۱۷ سال - و سپس ۳۲۳ سال به دست می‌آید. ۴۱۰ باید به ۳۲۳ برگردد در مقایسه با ۴۱۰ که به ۱۶۷ کاهش می‌یابد. می‌بینید که فشرده‌سازی داده‌های زمانی داوران در ۳۲۳ سال آسان‌تر از فشرده‌سازی آن در ۱۶۷ سال است.

نمی‌خواهم بیشتر از این بحث کنم، اما اجازه دهید در کتابشناسی شما - فکر می‌کنم صفحه ۱۳ - زیر این اشاره کنم. مقاله‌ای از اندرو استاینمن با عنوان «اعداد مرموز کتاب داوران» در مجله/نجم IV.B عنوان *الهيات انجيلی منتشر شده است*. این مقاله کاملاً جدید است، سال ۲۰۰۵، و اگر علاقه‌مند باشید، جزئیات این موضوع را دارد. فکر می‌کنم می‌توانید بگویید که فشرده‌سازی وقایع در کتاب داوران با محتوای کتاب مطابقت دارد. وقتی کتاب را می‌خوانید، به نظر می‌رسد که بخش نسبتاً کوچکی از کشور تحت تأثیر ظلم‌ها قرار گرفته است. به عبارت دیگر، آنها ظلم‌های منطقه‌ای بودند، بنابراین می‌توانستند همپوشانی داشته باشند. تقریباً هر دو قاضی ممکن است حداقل تا حدی در همان دوره فعال بوده‌اند.

ج. وضعیت خاور نزدیک باستان از ۱۲۰۰ تا ۱۰۵۰ پیش از میلاد

برویم. سپس: «وضعیت خاور نزدیک باستان از ۱۲۰۰ تا ۱۰۵۰ پیش از میلاد». «اگر به C بیایید به سلسله‌های مصری برگردید، متوجه می‌شوید که پس از مرئپتاه در ۱۲۲۲ پیش از میلاد، دوره‌ای از آشفتگی را تجربه می‌کنید و سپس با رامسس سوم و رامسس چهارم تا یازدهم، آنها در دوره‌ای از ضعف قرار دارند. بنابراین مصر کنترل متصرفات خود را در خارج از... از دست داد Exodus، Egypt کمی پس از آن تاریخ متاخر می‌توان گفت که مجبور بود از مرزهای خود دفاع کند. آنها به کشور خود عقب‌نشینی کردند و Egypt. Egypt نگران کنترل قلمرو خارج از مرزهای خود نبودند. آنها همچنین مجبور بودند با حملاتی از سوی آنچه «مردم این حدود سال Egypt دریا» نامیده می‌شدند، مقابله کنند، مردمی که از جزیره کرت می‌آمدند و حمله می‌کردند

به هر حال، نکته این Gaza است و برخی فکر می‌کنند که آنها فلسطینی‌هایی بودند که در آن حوالی بودند ۱۲۰۰ مصر دیگر یک قدرت بزرگ نبود Egypt است که

وقتی به سمت شمال می‌روید، امپراتوری هیتی از حدود ۱۹۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد قوی بود، اما این Asia. امپراتوری نیز فروپاشید. این امپراتوری توسط دشمنان غربی که از مناطق غربی ... آمده بودند، فروپاشید آنها به Orontes River ما قبلاً در مورد رامسس دوم صحبت کردیم که با هیتی‌ها در ... جنگیده بود Minor بن‌بست رسیدند و یک پیمان عدم تجاوز امضا کردند و پیمانی منعقد شد. این در سال ۱۲۸۰ پیش از میلاد بود. بنابراین در سال ۱۲۸۰، هیتی‌ها و مصری‌ها هنوز برای کنترل شام - ساحل ... - در حال مبارزه بودند به قلمرو خودشان بازگشته بودند Egypt اما تا سال ۱۲۰۰، هیتی‌ها رفته بودند و Mediterranean.

وارد دوره ضعف می‌شوید. کمی Assyria، وقتی حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد به بین‌النهرین می‌روید دولت‌شهرهای کوچکی وجود دارند. همه اینها به ما می‌گویند که Carchemish ... و Damascus ... نزدیک‌تر به هیچ قدرت جهانی بزرگی وجود ندارد: مصری‌ها ضعیف بودند، هیتی‌ها ناپدید شده Israel، در این دوره زمانی بودند و آشوری‌ها ضعیف بودند. وقتی کتاب داوران را می‌خوانید، متوجه می‌شوید که آنها نگران کشورهای کوچک مرزی محلی - موآبیان، مدیانیان، عمونیان و فلسطینیان - هستند، نه قدرت‌های بزرگ جهانی فلسطینیان به خصوص در پایان دوره داوران. سامسون وجود دارد که Israel، واقعاً به تهدید اصلی بعدی ... تبدیل شده بودند شروع به جنگ با فلسطینیان کرد و این موضوع تا اول سموئیل ادامه می‌یابد، جایی که فلسطینیان حتی برای ... بنابراین این وضعیت از سال ۱۲۰۰ تا حدود ۱۰۵۰ قبل از میلاد است. Israel تهدیدآمیزتر می‌شوند

- د. ساختار و محتوای داوران ۱. پیشینه تاریخی که در کتاب داوران ۱:۱-۲:۵ بیشتر مورد بحث قرار گرفته است - مقدمه اول -

د. ساختار و محتوای داوران «است» و ۱. زیر د. پیشینه تاریخی که در کتاب داوران ۱:۱ تا ۲:۵ بیشتر مورد بحث قرار گرفته است «قرار دارد. پس از مرگ یوشع، هر قبیله مسئولیت داشت تا فتح سرزمین‌های خود را که یوشع به آنها واگذار کرده بود، تکمیل کند. کاری که داوران ۱:۱ تا ۲:۵ انجام می‌دهند، ارائه مروری بر عملیات نظامی تعدادی از قبایل است. متوجه خواهید شد که آنها کار را تمام نکردند؛ آنها کاری را که قرار بود اما منسی مردم بیت شان یا تعنک یا دور « انجام دهند، انجام ندادند. به عنوان مثال، در داوران ۱:۲۷ می‌خوانید یا بیلعام یا مجدو و آبادی‌های اطراف آنها را بیرون نکرد، زیرا کنعانیان مصمم بودند که در آن سرزمین زندگی بلکه کنعانیان در میان ایشان به زندگی ادامه Gezer، و افرایم کنعانیان ساکن در را بیرون نکرد «: آیه ۲۹». کنند قطرون یا نهلول را که در میان ایشان باقی ماندند، بیرون نکرد، بلکه آیه ۳۰ «: و زبولون کنعانیان ساکن «: دادند و «: آیه ۳۳». Sidon و اشیر ساکنان عکویا ... را بیرون نکرد «: آیه ۳۱». ایشان را به کار اجباری واداشت «: ... نفتالی ساکنان بیت شمس را بیرون نکرد

بنابر این اسرائیل در انجام آنچه به آنها دستور داده شده بود، کوتاهی کرد و نتیجه در پنج آیه اول فصل ۲ فرشته «: شرح داده شده است. در اینجا دوباره با نمونه کوچکی از شکل عهد روبرو می‌شوید. در آنجا می‌خوانید و به سرزمینی که قسم خوردم به Egypt خداوند از جلال به بوکیم رفت و گفت: من شما را از آنجا بیرون آوردم اجدادتان بدهم، هدایت کردم. بگفتم: من هرگز عهد خود را با شما نخواهم شکست و شما با مردم این سرزمین عهد نخواهید بست، بلکه قربانگاه‌های آنها را ویران خواهید کرد «با این حال، شما از من نافرمانی کرده‌اید]. این کاری است که من انجام داده‌ام، شما چه کرده‌اید؟ [چرا این کار را کرده‌اید؟ بنابر این اکنون به شما می‌گویم که من آنها را از پیش روی شما بیرون نخواهم راند. آنها خار خواهند بود. در پهلوهایتان و خدایانتان دامی برای شما خواهند بود! هنگامی که فرشته خداوند این سخنان را به تمامی بنی‌اسرائیل گفت، قوم با صدای بلند گریستند و آن مکان را بوکیم [به معنای «گریه‌کنندگان» نامیدند. در آنجا برای خداوند قربانی کردند.

فکر می‌کنم این تا حد زیادی سیر وقایع شرح داده شده در بقیه کتاب را توضیح می‌دهد. آنها با کنعانیان ساکن شدند و از خداوند روی گردانند و نتیجه همان چیزی است که در بقیه کتاب می‌یابید. بنابر این در داوران تا ۲:۵ پیشینه تاریخی دوره‌ای را که کتاب داوران توصیف می‌کند، دریافت می‌کنید ۱:۱.

مبانی کلامی برای درک صحیح کتاب داوران داوران ۲:۶-۳:۴ - مقدمه دوم ۲.

در بخش «د» «آمده است»: مبانی الهیاتی برای درک صحیح کتاب داوران: داوران ۲:۶ تا ۳:۴. «۲. داوران ۲:۶ تا ۳:۴ گاهی «مقدمه دوم» نامیده می‌شود. اگر به ساختار کتاب نگاه کنید، دو مقدمه می‌بینید - پیشینه تاریخی و پیشینه الهیاتی. در پایان کتاب دو نتیجه‌گیری می‌بینید - آن دو داستان از زوال دینی و اخلاقی را می‌بینید. بنابر این از نظر ساختاری، کتاب با دو مقدمه و دو نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد و در وسط، داستان‌های شش داور اصلی را می‌یابید.

بنابر این این گاهی مقدمه دوم نامیده می‌شود و از یوشع ۲۴: ۲۸-۴۱ گرفته شده است. حال منظور من از این حرف این است که اگر به یوشع ۲۴ برگردید، که تجدید عهد در شکیم بود، در آیه ۲۸ در پایان آن مراسم در سپس یوشع قوم را روانه کرد، هر کدام به میراث خود. پس از این وقایع، یوشع پسر نون، بنده «: شکیم می‌خوانید خداوند، در سن صد و ده سالگی درگذشت. و او را در سرزمین میراثش، در تمنات، دفن کردند «سازح در در تمام طول عمر یوشع و بزرگانی که پس از او زنده Mount Gaash... Israel کوهستان افرایم، در شمال Israel ماندند و هر آنچه را که خداوند برایشان انجام داده بود، تجربه کرده بودند، خداوند را خدمت کرد.

پس از «: حالا به داوران ۲:۶ برگردید. توجه کنید که چگونه این آیه مانند یوشع ۲۴:۲۸ شروع می‌شود. آنکه یوشع بنی‌اسرائیل را مرخص کرد، آنها رفتند تا هر کس به میراث خود، زمین را تصرف کند. قوم در طول زندگی یوشع و در طول زندگی بزرگانی که پس از او زنده ماندند و تمام کارهای بزرگی را که خداوند برایشان یوشع پسر نون، بنده خداوند، در سن صد و ده سالگی «Israel انجام داده بود، دیده بودند، خداوند را عبادت کردند

Mount درگذشت. و او را در سرزمین میراثش، در تمنات، دفن کردند. اینجا در کوهستان افرایم، در شمال پس از آنکه تمام آن نسل به پدران خود پیوستند، نسل دیگری روی کار آمد که نه خداوند را می‌شناخت... Gaash... «...آنگاه بنی‌اسرائیل در نظر خداوند پلید عمل کردند. Israel. و نه می‌دانست که او چه کرده است

این درست با انتهای کتاب یوشع مرتبط می‌شود و سپس داستان را پیش می‌برد. نویسنده یوشع توضیح می‌دهد که تمایل به بی‌وفایی به دلیل ظهور نسلی جدید است - این در داوران ۱۰:۲ آمده است. آنها در زمان فتح شاهد اعمال بزرگ خداوند نبودند: «پس از آنکه تمام آن نسل به پدران خود پیوستند، نسل دیگری بزرگ شد و خداوند و کارهایی را که برای آنها انجام داد، شناخت.» «آیه ۱۲»: «آنها خداوند، خدای پدران خود را که آنها را از آنها خدایان مختلف را از مردمی که اطرافشان بودند، پرستش کردند.» «Egypt. بیرون آورده بود، ترک کردند... از آنجا که آنها از خداوند روی گرداندند و خدایان دیگر را پرستش کردند، خداوند آنها را به دست ستمگران سپرد. ایشان او را ترک کردند و بعل و عشتاروت را پرستش نمودند. در خشم خود.» «سپس در داوران ۱۳:۲ می‌خوانید خداوند، ایشان را به دست مهاجمانی سپرد که ایشان را غارت کردند. ایشان را به دشمنانشان از هر سو Israel بر برای جنگ بیرون می‌رفتند، Israel فروخت، دشمنانی که دیگر یارای مقاومت در برابرشان را نداشتند. هرگاه دست خداوند بر ضد ایشان بود تا ایشان را شکست دهد، چنانکه برای ایشان قسم خورده بود. ایشان در مصیبت خداوند داورانی برانگیخت که ایشان را از دست این مهاجمان نجات.» «سپس، آیه ۱۶.» «عظیمی گرفتار شدند.» «دادند»

اما سپس می‌خوانید که آنها به سرعت از راهی که پدرانشان در اطاعت از او پیموده بودند، روی هرگاه خداوند برای آنها داور می‌انگیخت، با داور می‌بود و تا زمانی که داور «گرداندند. آیه ۱۸ می‌گوید زنده بود، آنها را از دست دشمنانشان نجات می‌داد. زیرا خداوند بر آنها رحم می‌کرد، زیرا آنها زیر ستمگران و ستمگران ناله می‌کردند. اما هنگامی که داور درگذشت، مردم به راههایی حتی فاسدتر از راههای پدرانشان «بازگشتند، خدایان دیگر را پیروی کردند و آنها را عبادت و پرستش نمودند»

بنابراین شما با این چرخه رویگردانی از خداوند، ظلم، که برخی آن را توبه می‌نامند، و سپس رهایی مواجه می‌شوید. متوجه می‌شوید که در این مقدمه چیزی در مورد توبه نمی‌گوید. مطمئناً این چرخه در اینجا به همین شکل است: گناه، ظلم، شاید توبه (حداقل فریاد کمک)، و سپس رهایی. این دوباره همان الگویی است که از قبل در کتاب تثنیه ترسیم شده است. در اینجا می‌توانید تحقق آنچه خداوند گفته بود اتفاق خواهد افتاد را ببینید.

ارتباط داوران و تثنیه و مورخ عهد

وقتی وارد مطالعات تاریخی می‌شوید، اغلب گفته می‌شود که هرودوت پدر تاریخ بوده است. منظور این است که هرودوت، که حدود ۴۸۴-۴۲۵ پیش از میلاد می‌زیسته، بسیار متأخرتر از عهد عتیق بوده است. اغلب ادعا می‌شود که قبل از هرودوت هیچ تاریخ واقعی وجود نداشته است؛ شما فقط وقایع‌نگاری دستاوردهای پادشاهان

و وقایع‌نگاری جنگ‌ها را داشته‌اید، اما هیچ تاریخ‌نگاری واقعی به این معنا که رویدادها در چارچوب معنایی بزرگتر در جریان تاریخ قرار گیرند، وجود نداشته است. اما فکر می‌کنم وقتی به کتاب‌های داوران و یوشع نگاه می‌کنید، می‌توانید بگویید که یک فلسفه تاریخ واقعی در این کتاب‌ها یافت می‌شود. ما تقریباً یک هزاره قبل از زمان هرودوت هستیم. تاریخی که در کتاب داوران گردآوری شده است، تاریخی است که در کتاب تثنیه و الهیات تثنیه ریشه دارد. به این معنا، می‌توانید بگویید که کتاب‌های یوشع و داوران تاریخ الهیاتی هستند، اما نه به این معنا که تاریخ توسط یک طرح الهیاتی فشرده یا دیکته شده باشد یا به اشتباه توسط آن طرح الهیاتی ایجاد شده باشد. این بازتاب واقعی اوضاع است. خداوند مطابق با مفاد کتاب تثنیه، اهداف خود را در زندگی قومش به اجرا می‌گذاشت. اگر مطیع بودند، از نعمت بهره‌مند می‌شدند و اگر نافرمانی می‌کردند، لعنت را تجربه می‌کردند.

بنابراین، فکر می‌کنم می‌توان گفت در این کتاب‌های تاریخی، از جمله یوشع و داوران، تفسیری نبوی از معنای وقایع این دوره وجود دارد که توسط چیزی به نام «مورخ عهد» تولید می‌شود - مورخی که با عهد آشنا است و تاریخ اسرائیل را در دست‌بندی آن سند توصیف می‌کند. می‌توانید آن نویسنده را «مورخ تثنیه» بنامید. همانطور که قبلاً اشاره کردم، دوست ندارم از برچسب «مورخ تثنیه‌گرا» استفاده کنم زیرا با مفهوم تاریخ تثنیه‌گرای مارتین نات - یعنی نویسنده تبعیدی یوشع تا پادشاهان - گره خورده است. او این را مورخی می‌داند که تاریخ اسرائیل را در دست‌بندی‌های الهیات تثنیه قرار می‌دهد. من Israel در زمان تبعید زندگی می‌کند و تمام نمی‌خواهم این رویکرد را تأیید کنم.

واضح است که کتاب داوران به خوبی با الهیات کتاب تثنیه مطابقت دارد. اما همانطور که قبلاً بحث کردیم، تثنیه باید در زمان موسی، همانطور که ادعا می‌شود، و به عنوان پایه‌ای برای این کتاب‌های بعدی - در این مورد یوشع و داوران - قرار گیرد. اما در اینجا شما یک مبنای الهیاتی برای درک آنچه در کتاب داوران دنبال می‌شود، دارید. خب، وقت ما تمام شده است، بنابراین دفعه بعد از آنجا شروع خواهیم کرد.

رونویسی توسط آندره سانتوس
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط الیزابت فیشر
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت